

از کارگر به پاستور

گزارش عینی از تجمع کارگران ارکان ثالث نفت و گاز

پس از گذشت سه ماه از لغو تجمع نیروهای پیمانکاری یا شرکتی نفت و گاز موسوم به "ارکان ثالث" در آبان ۱۴۰۳، علی‌رغم مذاکرات و پیگیری‌های مستمر نمایندگان نسبت به تحقق مطالبات حقوقی از مسئولین و مدیران وزارت نفت، همچنان پیشرفت عملی و مطلوبی به نفع کارگران رقم نخورده و نه‌تنها خبری از تحقق مطالبه‌ی اصلی یعنی حذف پیمان‌کاران و تبدیل وضعیت نیست، بلکه درخواست‌های جزئی‌تر نظیر اجرای رأی ۳۱۸۸ دیوان عدالت اداری یا پاداش شهید رجایی و اعطای وام و ... نیز سرنوشت مشخصی نداشته است.

از همین روی نمایندگان پیشرو دوباره مصمم شدند تا وعده و وعیدهای بی‌سروته مدیران و رؤسای خود را از موضع قدرت و در اتحاد با همکاران زحمت‌کش خود پاسخ دهند. طبق هماهنگی‌ها قرار شد تا در روز ۶ بهمن ۱۴۰۳، تجمعی مسالمت‌آمیز به هدف اعلام اعتراض و خشم کارگران نسبت به شرایط "برده‌دارانه" پیمان‌کاری و حذف واسطه‌های تأمین نیروی انسانی در تهران و مقابل نهاد ریاست جمهوری برگزار شود. مسئولیت و سازماندهی تجمع به عهده نمایندگان ارکان ثالث تهران و حومه بود و همه نگاه‌ها به حضور گسترده همکاران تهرانی؛ اما این باعث نشد تا سایر همکاران از شهرهای دور و نزدیک سراسر ایران، وظیفه‌ی پیگیری منافع خود را به دوش تهرانی‌ها بیاندازند. همکاران زیادی از خوزستان تا مشهد و سایر نقاط کشور به جمع معترضین خیابان پاستور پیوستند تا فریاد اعتراض‌شان، هیمنه پیمان‌کاران و حامیان‌شان را بشکنند. من نیز به محض باخبرشدن از اطلاعیه‌ی تجمع، تصمیم گرفتم در تجمع حاضر شوم. اگرچه شخصاً مدتی تجربه کار به عنوان کارمند فنی در یک شرکت خصوصی اکتشاف و حفاری نفت را داشتم، اما تحقق مطالبات همکاران ارکان ثالث هیچ منفعت شخصی برای‌ام نداشت. هدف اصلی، حمایت از مطالبه‌ی مترقی حذف پیمانکاری بود. معمولاً در نگاه از بیرون نسبت به اعتراضات کارگری، این پرسش‌ها نقش اصلی را ایفا می‌کنند: «چرا کارگران با وجود شرایط فلاکت‌بار معیشتی اعتراضات و اعتصاب سراسری نمی‌کنند؟» و یا «مگر کارگران نمی‌فهمند که قوانین کلان حاکم بر نظام سیاسی موجود اجازه خوشبختی و آسایش به آنان نمی‌دهد؟ پس چرا علیه تمامیت نظام موضع‌علنی نمی‌گیرند؟». اما واقعیت پیچیده‌تر از تصورات روشنفکرانه است.

صبح شنبه ۶ بهمن فرا رسید. برای رسیدن به محل تجمع یعنی مقابل نهاد ریاست جمهوری و جنب بیت رهبری، باید به خیابان پاستور وارد می‌شدیم. هنگامی که از خیابان کارگر به سمت پاستور می‌رفتیم، صفوف بلند و متحد کارگرانی را دیدم که مانند من مسیر کارگر به پاستور را طی می‌کنند. هدف ما تجمع بود. تجمع برای اعلام خشم و اعتراض نسبت

^۱ در مورد دلایل لغو آن تجمع و تحلیل مطالبات و آگاهی کارگران، به مقاله [درباره تجمع کارکنان ارکان ثالث نفت](#) منتشره در مجله کارخانه مراجعه کنید.

به مسئولان حکومتی و دولتی که آنان نیز برای رسیدن به جایگاه فعلی‌شان، درست همین مسیر کارگر به پاستور را طی کرده بودند. مسئولانی که دیرزمانی ست با پرچم انقلاب مستضعفان و عدالت اقتصادی و شعارهای پوچ کاهش تورم و ... از دوش کارگران بالا رفته تا به قدرت در پاستور برسند. آری مسیر ظاهراً یکی بود: از کارگر به پاستور! اما طبقات حاکم جمهوری اسلامی تاکنون در این مسیر اولی را به خدمت دومی گرفتند، در حالی که زحمت‌کشان، در مسیر تجمع ارکان ثالث، این بار دومی را به خدمت اولی می‌خواستند. کارگران با اتوبوس و از مسیرهای طولانی آمده بودند. گروهی از مناطق نفت خیز جنوب و غرب، گروهی از قزوین و حتی تشکلی از مشهد و ... لحظه به لحظه به تجمع اضافه می‌شدند. ظاهر و رفتار همکاران سنخیتی با فضای سانتیماننتال و فریبنده مرکز شهر تهران نداشت. شرافت و سادگی در برخوردشان فاصله معناداری با خودپرستی و "زرنگ‌بازی" بازاریان و افشار انگل صفت جامعه ایجاد می‌کرد.

به همت همکاران چند بنر و تعداد زیادی برگه تراکت مخصوص شعارها تهیه شده بود. روی بنرها به نقل از مسئولین ارشد نظام و دولت، مطالبی در حق مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی نوشته شده بود. مثلاً به نقل از رهبر ج.ا.ا نوشته بود: «پرچم آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری را زمین نگذارید...»؛ یا به نقل از شعارهای انتخاباتی رئیس‌جمهور که گفته بود: «به بی‌عدالتی‌ها خاتمه داده و حقوق کارکنان شرکتی را با دیگر کارکنان همسان می‌کنیم و...». در ابتدا و با حضور تعداد قابل توجهی از همکاران، یکی از نمایندگان توضیحاتی از روند مطالبه‌گری و اهداف و موانع این تجمع و مطالبات موجود داد. خلاصه صحبت‌های او به این شرح است^۲:

«چندین ساله که ما اعتراضاتی رو در "چارچوب و مسیر مشخصی" برای کسب مطالبات‌مون صورت دادیم. امسال با وجود مکاتبات و مذاکراتی که با وزارت نفت و مسئولین داشتیم، هنوز خواسته‌های ما بعد از چند سال "در دست پیگیری" و نتیجه مثبتی نداشته ... یکی از مطالبات ما که به خود وزارت نفت مربوط می‌شه، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل بر اساس نظام همسان دستمزده، این طرح سال ۶۹ تصویب شده ولی تازه سال ۹۹ اون هم با فشار اعتراض و مطالبه‌گری همکاران به مرحله اجرا رسیده، اما طوری اجرا کردن که اهداف این قانون رو به حاشیه برده؛ هدف اصلی ایجاد عدالت مزدی بود، با معیارهای ارزش‌آفرینی، صرف وقت و آسیب‌های ناشی از کار. همه می‌دونیم که نیروهای پیمانکاری بیشترین کار و ارزش رو به لحاظ فنی و تخصصی انجام میدن، ولی با یک نگاه طبقاتی و ارباب-رعیتی، نیروهای رسمی بیشترین حقوق‌ها و بهترین مزایا رو میگیرن! اجرای این طرح با چنین وضعی کاملاً "غیرقانونیه" و ما اینجا اومدیم تا روند اجرای طرح رو اصلاح کنیم. سایر مطالبات ما، وام ۳۰۰ میلیونی، استفاده از خدمات و امکانات رفاهی وزارت نفت، اجرای رای ۳۱۸۸ عدالت‌اداری و... هستش. همین رای ۳۱۸۸ هم برای اصلاح طرح از دیوان رسید ولی هنوز در اجرا معطله و بین وزارت نفت و وزارت کار پاس‌کاری می‌شه. موضوع بعدی حذف شرکت‌های پیمان‌کاریه، موضوعی که سه دوره مجلس روش بحث میشه و هنوز معطله؛ اینطوری با فکر و اعصاب کارگر مظلوم بازی می‌کنند، کارگری که اگه نباشه صنعت نفتی هم نخواهد بود. این طرح باید در اسرع وقت اجرا بشه و واسطه‌هایی که بین کارفرما-شرکت نفت و نیروی کار وجود دارن حذف بشن و ما با خود وزارت نفت به صورت مستقیم قرارداد داشته باشیم... ما همه جزء کارگران وزارت نفت هستیم، برای همکاران رسمی به عنوان راهبران پروژه احترام قائلیم، ولی ما هم نقش مهمی ایفا می‌کنیم و اگر بنابر

^۲ مشروح سخنرانی این نماینده را اینجا ببینید.

درجه بندی باشه قطعاً ما رکن اول وزارت نفتیم نه رکن سوم (ارکان ثالث)؛ برای اثبات این موضوع حاضریم فقط سه روز تولید رو به شما بسپاریم، تا بدون ما تولید رو حفظ کنید و جلو بپزید».

سپس همکاران به نشانه همدلی، او را تشویق کردند. حالا نوبت شعار و فریاد مطالبات بود. شعارهایی که از دل سالیان طولانی اسارت به فقر و فلاکت برمی خواست. شعارهایی که به ناچار طوری تنظیم شده بود که فضا را ملتهب و رادیکال نکند و بهانه به دست مأموران برای سرکوب و به حاشیه راندن اصل تجمع ندهد. عمده‌ی شعارها به هدف مبارزه با سیستم پیمانکاری و استثمار^۳ طرح شده بود:

«ما پیمانکار نمی‌خواهیم، ما استثمار نمی‌خواهیم» ؛ «ارکان ثالث بیدار است، از استثمار بیزار است» ؛ «مرگ بر حامی پیمانکاران».

دسته دیگری از شعارها فراتر از مطالبه لغو پیمانکاری طرح شد. این موارد حاکی از شرایط سخت معیشتی و روحیه منسجم و سرسختی کارگران در پیگیری منافع‌شان بود:

«وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه» ؛ «کارگر داد بزن، حق‌تو فریاد بزن» ؛ «کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد».

برخی شعارها نشان‌دهنده این بود که ماهیت ضدکارگری وزارت کار، برای کارگران روشن شده:

«اسمش وزیر کاره، حامی پیمانکاره».

مواردی هم بود که برای خلع سلاح نیروهای پلیسی و شاید بعضاً به دلیل امیدهای هرچند غیر واقعی اما همچنان موجود نزد کارگران طرح می‌شد:

«نیروی انتظامی، حمایت حمایت» ؛ «پزشکیان یاور، برس به داد کارگر» ؛ «خونی که در رگ ماست، هدیه به رهبر ماست» ؛

البته، شعاری که دلالت به طرفداری از رهبر و رئیس‌جمهور نظام داشت، تقریباً توسط نیمی از همکاران مورد همراهی قرار نگرفت و مورد تمسخر واقع شد. نزدیک سه ساعت از شروع تجمع می‌گذشت و با وجود جمعیتی بالغ بر ۴۰۰ نفر، هنوز احدی از مسئولین دولتی حاضر به پاسخگویی و حتی حضور بین کارگران نشده بود. همان کسانی که با اسم عدالت از دوش کارگران بالا رفتند و به پاستور رسیدند، حالا حاضر نیستند از کاخ و تشکیلات حکومتی خود در مقابل کسانی که صدها کیلومتر راه را برای اعلام نارضایتی پیموده‌اند، قدمی بیرون بگذارند! رفته‌رفته عده‌ای از همکاران خسته شدند و با ناامیدی تجمع را ترک کردند؛ به همین دلیل، بعضی از همکاران پیشنهاد بستن خیابان منتهی به ریاست جمهوری را دادند تا مسئولین را مجبور به پیگیری کنند. اما ترس از برخورد خشن مأموران انتظامی، اجازه این کار را نداد. به جای آن، شعار مطالبه حضور وزیر نفت، ناگهان همه‌گیر شد:

^۳ روشن است که درک فعلی حاکم بر این تجمع و شعارها از معنای استثمار، صرفاً از غریزه طبقاتی کارگران و به معنای خاصی مانند بی‌عدالتی یا تبعیض یا پرداخت ناقص مزد است؛ و می‌دانیم که معنای دقیق استثمار در جامعه سرمایه‌داری فراتر از این‌ها و قانون‌نویس‌های است که در صورت پرداخت مزد کامل کارگران نیز وجود دارد. برای توضیح بیشتر بنگرید به مقاله ["استثمار چیست؟ کار و تلاش از من، راحت و خواب از تو"](#) منتشره در مجله کارخانه.

«وزیر نفت کجایی، باید اینجا بیایی».

اما حتی دریغ از معاونان وزیر! نهایتاً با دعوت وزارت نفت، گروهی از نمایندگان تصمیم گرفتند مطالبات همکاران را در جلسه‌ای با مسئولین پیگیری کنند. بعد از جلسه، نمایندگان بین همکاران حاضر شدند تا نتایج را اطلاع دهند. همان نماینده‌ای که در ابتدای تجمع هم سخنرانی کرده بود، نتایج را توضیح داد:

«قرار شد تا طرح طبقه‌بندی و رأی ۳۱۸۸ برای اجرا ابلاغ بشه و مطمئنیم که هیچ منع قانونی نداره؛ اما یه واقعیتی رو صادقانه باید بگم و اون اینکه مقاومت‌هایی هم وجود داره... ما چندین ساله درگیر این جلسات و مکاتبات هستیم و فضاهای اعتراضی رو هم شکل دادیم اما متأسفانه این بی‌تفاوتی (از سوی مسئولین) وجود داره... ته حرفم چیه؟ من بعید میدونم از این جلسات و مکاتبات خروجی‌ای بیرون بیاد. یعنی خروجی‌ای که ما می‌خواهیم، یعنی برسیم به همون نظام همسان دستمزد. ما هر کدوم از یه کارگاهی با یه بُعد مسافتی اومدیم اینجا، باید با هم صادق باشیم؛ الان مشکل اینه که یک‌صدایی و اتحاد بین موم وجود نداره، ما باید هر کدوم هر جا که هستیم فقط یه حرف بزنیم...»

همچنین پیامی از سوی نمایندگان در کانال تلگرامی "نیروهای پیمانکاری صنعت نفت" منتشر شد که شامل نتایج جزئی‌تر این جلسه بود.^۴ جالب اینکه حتی این بار خبری از وعده و وعید مسئولین نسبت به مطالبه اصلی کارگران یعنی حذف پیمانکاری و تبدیل وضعیت نبود!

چند ساعت بعد، در اخبار رسانه‌های طرفدار و مخالف نظام دیدم که پس از پایان تجمع و بازگشت همکاران از خیابان پاستور درست چند قدم آن طرف‌تر، یعنی در میدان پاستور، تجمع دیگری برگزار شده است. تجمعی موسوم به تجمع کفن‌پوشان که با مطالباتی نظیر اعدام ظریف، جلوگیری از توافق با آمریکا، اجرای قانون حجاب و ... شکل گرفته بود. موضوعی که خوراک مناسبی برای رسانه‌ها فراهم می‌کرد. هر دو تجمع تقریباً در یک محل برگزار شد اما رسانه‌های بزرگ داخلی (موافق یا مخالف دولت) هیچ خبری از تجمع ارکان ثالث منتشر نکردند، به جای آن، دعوای میانه‌رو/رادیکال را به بهانه تجمع کفن‌پوشان برجسته کردند. رسانه‌های خارجی و اپوزیسیون نظام هم طبق معمول با تقطیع و سانسور تجمع ارکان ثالث، آن را از مؤلفه‌های طبقاتی و ضدسرمایه‌داری تهی کردند و صرفاً نارضایتی کارگران را در جهت مخالفتی کور نشان دادند؛ چیزی که مطلوب اپوزیسیون است که به لحاظ طبقاتی هم‌پایه‌ی دولت جمهوری اسلامی است. از رسانه‌های اصلی اپوزیسیون که بگذریم می‌رسیم به شاخه‌ی کارگری و به اصطلاح چپ این جریان؛ کانال تلگرامی "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت"، با اغراق و دروغ‌گویی، تعداد کارگران در تجمع را بیش از دو هزار نفر اعلام و طوری وانمود کرده که گویی کارگران هدف اصلی‌شان لغو نظام سرمایه‌داری است و حذف پیمانکاری را مسیری برای کسب این هدف می‌دانند.^۵ حقیقتاً که «شورای سازماندهی ...» روش‌های پیچیده‌ای را تدارک دیده است! گروه دیگری تحت عنوان کانال تلگرامی "منشور آزادی، رفاه، برابری" که از اعتراضات ۱۴۰۱ و جریان زن، زندگی، آزادی شروع به کار کردند، این تجمع را ضدسرمایه‌دارانه و همسو با مبارزه علیه استبداد حکومت اسلامی ج.ا.ا. تفسیر کرده‌اند.

^۴ این پیام را اینجا بخوانید.

^۵ خبر تحلیلی این کانال را اینجا بخوانید.

این کانال در پیامی، از هم‌زمانی تجمع ارکان ثالث با اعتراضات علیه حکم اعدام برخی اعضای پژاک و طرفدار جریان ز.ز.ا، استقبال کرده است؛ به این واسطه مبارزه علیه سرمایه‌داری را توأمان با مبارزه علیه استبداد عنوان می‌کند.^۶ معلوم نیست که کارگران چه منفعتی از اعدام نشدن اشخاصی خواهند برد که طرفدار جریان سراسر ضدکارگری و آمریکایی ز.ز.ا هستند و پیاده نظام سرمایه‌داری جهانی در منطقه بوده‌اند؟!

سازماندهی کارگران برای کسب قدرت و منافع اقتصادی، درگرو ملاحظه تمام مسائل عینی و پیچیده‌ای است که کارگران در روند پیگیری مطالبات، با آن‌ها درگیرند؛ تصور اغراق‌آمیز از آگاهی فعلی کارگران همان قدر اشتباه است که نگاه تقلیل‌گرایانه به سطح مبارزات و مطالبات‌شان. از طرفی باید جنبه‌های مترقی اعتراضات و مطالبات مثل هدف حذف پیمانکاری و ضدیت با سیاست‌های دولت و حضور در تجمع مقابل ریاست جمهوری و... را تقویت کرد؛ از سوی دیگر، عدم کفایت پیگیری مطالبات جزئی که دولت و پیمان‌کاران برای دورزدن کارگران پیش می‌کشند را با شرکت و مداخله مستمر و جدی در روند مطالبه‌گری نشان داد و هم‌زمان پیوند مطالبات معیشتی و روزمره را با سیاست مستقل طبقه کارگر نشان داد.

^۶ تحلیل تجمع در این کانال را [اینجا](#) بخوانید.